

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

7462ca91936a69c7d140b12429f8214faadae988f70603b18685f721b26f588a

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

**شجاعت علمی - تعداد فیش : 16 ، تعداد مقاله : 0**

ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری» 1393/06/29

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

...

۴- تقویت عزم ملی و افزایش درک اجتماعی نسبت به اهمیت توسعه علم و فناوری:

۴-۱- تقویت و گسترش گفتمان تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در کشور.

۴-۲- ارتقاء روحیه نشاط، امید، خودباوری، نوآوری نظام‌مند، شجاعت علمی و کار جمعی و وجدان کاری.

۴-۳- تشکیل کرسی‌های نظریه پردازی و تقویت فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان و تبادل آراء و تضارب افکار، آزاداندیشی علمی.

۴-۴- ارتقاء منزلت و بهبود معیشت استادان، محققان و دانش‌پژوهان و اشتغال دانش‌آموختگان.

۴-۵- احیاء تاریخ علمی و فرهنگی مسلمانان و ایران و الگوسازی از مفاخر و چهره‌های موفق عرصه علم و فناوری.

۴-۶- گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران و فعالیت‌های عرصه علم و فناوری.

**بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1388/07/02**

ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خلل به وجود خواهد آمد. درک روشن از کُبریات و صُغریات؛ گاهی انسان کُبریات را درست می‌فهمد، در صُغریات اشتباه می‌کند. این درک صحیح از میانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کُبریات و صُغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ و آلا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضا؛ اگر این حرف را برزیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را برزیم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترسها فهم انسان را هم مختل می‌کند. گاهی انسان به خاطر این ترسها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمی‌تواند مسئله را درست درک کند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا «و لا یخشون احدا الا الله» خیلی مهم است؛ در این آیه شریفه «الَّذین یبَلِّغون رسالات الله و یخشون و لا یخشون احدا الا الله و کفی بالله حسیبا»؛ معلوم می‌شود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که: «و لا یخشون احدا الا الله». می‌گوئی: آقا! اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود. خوب، «و کفی بالله حسیبا»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. اگر پروای قضاوت‌های مردم، داورهای گوناگون مردم را به جای پروای از خدا گذاشتیم، مشکل درست خواهد شد؛ چون پروای از خدای متعال تقواست. اگر این را کنار گذاشتیم و ترس مردم جایگزین شد، آن وقت فرقانی هم که خدای متعال گفته، پیدا نخواهد شد؛ «ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا»؛ این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست. و به نظر من این مسئله خیلی مهم است؛ مسئله خشیت از مال و جان و حرف مردم و آبرو و زرمه‌ها و حرفها و حدیثها و تهمت‌ها و این‌ها، خیلی مهم است؛ این قدر این مسئله مهم است که خدای متعال به پیغمبرش خطاب می‌کند و او را برحذر می‌دارد: «و اذ تقول لئذی انعم الله علیه و انعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله و تخفی فی نفسک ما الله مبیدیه و تخشی الناس و الله احق ان تخشاه»؛ ملاحظه‌ی حرف مردم، ملاحظه‌ی این تهمتی که خواهند زد، ملاحظه‌ی چیزی را که خواهند کرد، نباید کرد؛ «و الله احق ان تخشاه». به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود، که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی، این مجذوب شدن دلها به آن بزرگوار را- که واقعاً چیز عجیبی بود- به وجود آورد. و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمی‌کرد. بالاخره اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا نشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود؛ «الَّذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل». یعنی اینکه دائماً دارند به ما می‌گویند: آقا! «ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم»، جوابش همین است: «فقالوا حسبنا الله و نعم الوکیل». نتیجه‌اش هم این است: «فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء». نتیجه‌ی این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی همین است که: «فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء». بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت.

**بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی 1385/11/28**

جوانهای ما ارزش ذاتی خودشان را واقف شده‌اند، دنبال علمند، دنبال کشفند، دنبال پیمودن راههای پرپیچ‌وخم قله‌های بلند هستند، این دستاورد کمی است؟ امروز این نیروی انسانی بااستعداد عظیمی که ما داریم، در هر بخشی از بخشها که مسئولان همت بگذارند و نیروهایی را به کار بگذارند، نیروها توانایی پیشرفت دارند. در بخش مهمی البته این کار انجام گرفته است، اما در بخشهای زیادی باید انجام بگیرد. من همین‌جا از این فرصت استفاده می‌کنم و به مسئولان توصیه می‌کنم قدر این استعدادها و قدر این شوق و همت را بدانند.

با این همه جوان، با این همه انسان پرشور، با این همه‌های بلند، با این شجاعتها، کارهای بسیار بزرگی می‌شود انجام داد. مسئولان از پیشرفت ترسند، از حرکت به سمت قله‌های بزرگ ترسند؛ واهمه نکنند. از دشمن هم واهمه نکنند. نمی‌گوییم احتیاط نکنند، چرا، احتیاط در همه حال لازم است، اما احتیاط کردن غیر از ترسیدن است. اگر کسی از دشمن ترسید، مرعوب دشمن شد، دیگر حرکت نمی‌تواند بکند. نخیر، از دشمن ترسند. البته مواظب باشند، مراقب باشند، جوانب کارهاشان را بسنجند، احتیاط هم بکنند، لیکن عزم جلو رفتن را هرگز از دل خودشان و دل این ملت خارج نکنند. توقف جایز نیست؛ چه در دانشگاه، چه در محیطهای علمی دیگر، چه در محیطهای صنعتی، چه در کارخانه، چه در محیط تجارت و دادوستد، چه در محیطهای علمی دینی. در همه‌ی محیطها توقف جایز نیست. باید جلو رفت. ما حالا که گرم حرکت شدیم، ملت ما گرم حرکت شده است، بیشتر از گذشته می‌فهمیم که توانایی حرکت این ملت خیلی زیاد است و ما می‌توانیم ان شاء الله به برکت این آزادی و همت و اعتماد به نفسی که انقلاب به این ملت داده است، راههای خیلی دشواری را بپیماییم.

**بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها 1385/07/13**

شما آقایان و خانمهایی که اینجا تشریف دارید، گزیده و نمونه‌های هستید از اساتید کشور. آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهه‌ی همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً «شجاعت علمی» در همه‌ی بخش‌هاست؛ هم در بخشهای علوم انسانی، هم در بخشهای علوم تجربی، هم در بخشهای نزدیک به عمل و فناوری، و هم در بخشهای علوم پایه. نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند؛ چشم‌پسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد. مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه‌های مختلف- در همه‌ی زمینه‌های علمی- چشم‌پسته و تقلیدی نگاه کردیم که ببینیم غربی‌ها چه می‌گویند. درست است که غربی‌ها حد اقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلوتر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باورنکردنی‌ای هم رسیدند؛ در این تردیدی نیست. ما هم عقب ماندیم؛ با همه‌ی افتخارات گذشته‌مان، به خاطر تنبلی‌ها و سوء سیاستها؛ در این تردیدی نیست. اما من قبلاً هم گفته‌ام، ما از شاگردی کردن پیش کسی که بلد است، ننگمان نمی‌آید؛ ولی می‌گوییم نباید فکر کنیم که

ما همیشه باید شاگرد بمانیم. معنای این نگاه تقلیدی، این است: ما همیشه باید شاگرد بمانیم. نوآوری لازم است. اعتماد به نفس شخصی و اعتماد به نفس ملی در اساتید ما، یک ضرورت است. اولاً، استاد ما شخصاً اعتماد به نفس داشته باشد و کار علمی بکند. به آن کار علمی‌اش تکیه بکند و افتخار کند. ثانیاً، اعتماد به نفس ملی داشته باشد. به قابلیت و تواناییهای این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یک استاد وجود داشته باشد، این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجو و تأثیر تربیتی خودش را خواهد گذاشت. و ثالثاً پرکاری؛ ما یک مقداری از ناحیه‌ی کم‌کاریهایمان و تنبلی‌هایمان- در بخشها و سطوح مختلف- ضربه خوردیم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد. بنابراین نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی و کار متراکم و انبوه، علاج کار پیشرفت علمی ماست. مخاطب این هم اساتید دانشگاهند.

نکته‌ی سوم این است که- این شاید دنباله‌ی آن مطلب قبلی باشد- بنده از چند سال قبل از این، مسئله‌ی تولید علم و نهضت علم و خطشکنی علمی را مطرح و درخواست کردم. امروز خوشبختانه این به یک خواست عمومی در محیطهای دانشجویی و علمی تبدیل شده است. می‌بینیم بارها از زبان دانشجویها و اساتید تکرار می‌شود. ما هم با پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های مختلف علمی و فناوری داشته‌ایم- که خوب، خیلی‌هایش هم آشکار است و در تبلیغات آمده؛ مثل مسائل مربوط به انرژی هسته‌ای و غیره؛ خیلی‌هایش هم نیامده؛ یعنی واقعاً کارهای نیمه‌کاره‌ای است که در جهت کامل‌تر شدن و کامل شدن هست، و ما در کشور زیاد داریم- به این چیزها افتخار می‌کنیم. و همین‌طوری که گفتم، نگاهمان نگاه امیدوارانه است و به عنوان اینکه «ما می‌توانیم».

اما یک نکته را باید بگویم: خطشکنی علمی و عبور از مرزهای علم همچنان در کشور ما، جدی نشده است. ما می‌خواهیم علما و دانشمندان ما، راههای میان‌بر را پیدا کنند؛ راههای کشف نشده را از این بی‌نهایت مسیرهایی که در عالم طبیعت وجود دارد و بشر باید یکی پس از دیگری کشف بکند. ما می‌خواهیم راههای کشف نشده را کشف بکنیم. اینی که می‌توانیم فلان ابزار فناوری را، فرض کنید سانتیفریور را برای کار هسته‌ای، که دیگران قبل از ما، سالها پیش، پیدا کردند و تولید کردند و استفاده و بهره‌برداری کردند، خودمان بسازیم، البته کار بزرگی است که بدون کمک دیگران توانسته‌ایم انجام بدهیم و نسلهای جدید آن را تولید کنیم، در این شکی نیست؛ اما این یک کار بزرگ نیست؛ این کار انجام شده و راه رفته‌ای است که دیگران رفته‌اند و ما هم که بنا بوده تا پنجاه سال دیگر، تا صد سال دیگر محروم بمانیم- بنا نبود این فناوری و این دانش به کشوری مثل کشور ما و ملت ما داده بشود- جوانها، دانشمندان و پژوهشگران ما توانسته‌اند با پیگیری و تلاش خودشان به دست آورند و این چیز بازرشی است؛ اما من می‌گویم در زمینه‌ی علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهی همت قرار بدهید و دنبال بکنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته‌ایم و یک قدم به جلو برداشته‌ایم. آن وقت می‌توانیم این را ادعا بکنیم؛ و این ممکن است. البته برداشتن قدمهای جدید، مستلزم پیمودن راههای رفته‌شده و طی‌شده‌ی به وسیله‌ی دیگران است؛ در این شکی نیست. اما هیچ‌وقت نباید ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن راههای میان‌بر محروم و ممنوع کرد. ما این را در کشور لازم داریم.

#### بیانات در دیدار مردم کرمان 1384/02/11

آنچه امروز برای استکبار جهانی یک خطر تلقی می‌شود، این است که ملت‌های مسلمان هويت و شخصیت و اصالت و استقلال خود را جدی بگیرند. همان‌طور که عرض کردیم، آنها دلشان می‌خواهد کشورهای منطقه‌ی اسلامی، کشورهای شرق، کشورهایی که به دلایل گوناگون از کاروان پیشرفت علم عقب مانده‌اند، همیشه در حوض نادانی و ناتوانی بمانند. آنها با هر پیشرفتی در هر کشور عقب‌افتاده مخالفتند. آنها وقتی می‌بینند کشور عقب‌افتاده‌ی دوران رژیم طاغوت، امروز تبدیل به کشوری شده است که در زمینه‌های علمی و صنعتی دارای شجاعت است و در میدان‌هایی وارد کار صنعتی و فناوری‌های پیچیده شده که احساس می‌کنند سال‌های متمادی پیش رفته است، احساس خطر می‌کند.

آنچه آمریکا و دیگر مستکبران عالم را عصبانی می‌کند، این است که یک ملت خودش بخواهد بداند و تصمیم بگیرد. آمریکا به کشور ما و مردم ما و بسیاری از ملت‌های دیگر می‌گوید شما تصمیم نگیرید تا من برای شما تصمیم بگیرم؛ شما انتخاب نکنید تا من برایتان انتخاب کنم؛ شما از منابع خود بهره‌برداری نکنید تا من بتوانم از آن بهره‌برداری کنم. حرف آمریکا این است که سلطه و دخالت و حضور و پنجه‌افکندن ما بر کشور و منابع خودتان را قبول کنید؛ اگر قبول نکنید، شما را به حمایت از تروریسم و ضدیت با حقوق بشر و چیزهای دیگر متهم می‌کنیم.

ملت ما نشان داده است که در مقابل چنین زورگویی و تهدیدی، و در مقابل چهره‌ی وقیح زمامداران آمریکا مشت‌های خودش را گره می‌کند؛ می‌گوید ما با هر کس که استقلال و هويت و منافع ملی و حیثیت ما را تهدید کند، مقابله می‌کنیم و بر دهان او مشت می‌کوبیم.

#### بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها 1383/09/26

نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت‌نویسی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده. البته آنها حق داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهمات و خرافاتی بود با عنوان دین. دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که عقده‌ها و گره‌ها در ذهن دانشمندان و زبندگان و زبندگان فکری باقی بماند و برایش راه‌های علاجی ضد دینی و غیر دینی پیدا کنند. لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آنها مسئله است؛ لیکن مسأله‌ی ما این نیست. در جهان‌بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهان‌بینی دینی‌ای که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراء الطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق‌کننده علم است. نمونه‌اش را شما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه‌ی اسلام بر اثر تشویق اسلام آنچنان اوج گرفت که تا آن‌روز در دنیا بی‌سابقه بود- در همه‌ی زمینه‌ها- و علم و دین باهم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد. پایه و مبنای علوم انسانی‌ای که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضد دینی و غیر دینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم. در زمینه‌ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است. خوشبختانه ما پیشرفت کرده‌ایم؛ بوضوح می‌شود این را دید. اگر قرار بود در محیط غیر دینی و ضد دینی، علم پیشرفت کند، از لحاظ علمی لاف‌های پیشرفت می‌کردیم. ما از لحاظ علمی، عقب‌مانده و عقب نگه داشته شده بودیم. بیش از پنجاه سال، تحرک و جوش علمی در این کشور گند بود؛ در بعضی از بخشها تعطیل بود. مواعی که به وجود آوردند، برای این ملت مثل سم کشنده‌ی بود. باور را از ملت ما گرفتند. ملت و زبندگان و مغزهای ما را به هرآنچه از بیرون این مرزهاست، آنچنان دل‌پسته کردند که اصلاً کسی این مجال و این جرأت و این شجاعت را پیدا نکند که فکر کند می‌توان برخلاف آن حرف‌ها یا غیر از آن حرف‌ها و آن نظریه‌ها، نظریه‌ی ارائه کرد. ما هنوز هم تا حدودی گرفتار آن حرف‌ها هستیم. البته اسلام به ما خودباوری داد و انقلاب به ما جرأت بخشید. آنچه امروز مشاهده می‌کنیم، نتیجه‌ی همین جرأت است؛ باید این جرأت را تقویت کرد و پیش رفت. استعدادها ما خوب است. جوانهای ما خوبند. اگر همین کارهایی که آقایان اشاره کردند- شناسایی و جذب استعدادها در زمان خود، هدایت صحیح این‌ها، به کار گرفتن این‌ها، سازماندهی معنوی صحیح در زمینه‌ی زبگان- صورت بگیرد، که هم انجام شدنی است و هم این شاء الله اراده‌اش وجود دارد؛ و اگر همین بنیاد زبگانی که ما پیشنهاد کردیم، در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شود- که شنیدم مقدماتش را دارند فراهم می‌کنند و اسانامه‌ای هم نوشته‌اند- این شاء الله به این سمت پیش خواهیم رفت.

#### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی 1383/04/01

ما در دوران قبل از انقلاب سالهای متممادی از علم دور ماندیم. یک دوره، دوره‌ی خواب و غفلت مطلق بود؛ یک دوره هم که بیداری و آگاهی به‌طور طبیعی در بین ملت‌ها به وجود آمد، دوره‌ی فریب بود. نمی‌گذاشتند علم به معنای واقعی کلمه وارد کشور شود؛ سرگرم می‌کردند و راه تحقیق را باز نمی‌کردند؛ استعدادها را پرورش نمی‌دادند و تشویق نمی‌کردند. انقلاب آمد این دیوارها و این مرزها و این محدودیتها را برداشت و خودآگاهی علمی به وجود آمد؛ اما این حرکت بدون مدیریت، بدون حرکت و بدون عزم و اراده به جایی نخواهد رسید. همه‌ی کارها، از جمله مسأله‌ی تحقیق و علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد؛ لذا بایستی این کار را پیش برد. البته بخشی از این کار مربوط به مسئولان دولتی است و بخشی مسئولیت دانشگاه‌ها و بخش دیگر مربوط به مسئولیت مراکز علمی است. و شما به‌عنوان جهاد دانشگاهی جزو بهترین مراکز هستیید که می‌توانید در این مسئله اهتمام بورزید و احساس مسئولیت کنید؛ که البته می‌کنید. خوشبختانه من شاهدیم و می‌بینم که پیشرفت شما در کار علم خیلی خوب بوده؛ دنبال کنید.

رئیس محترم جهاد دانشگاهی پیشنهاد کردند که مسأله‌ی تولید علم و نهضت نرم‌افزاری- این شعاری که ما مطرح کردیم- به‌وسیله‌ی جهاد دانشگاهی مدیریت شود. این موضوع برای من مطلب تازه‌ای است که کاملاً قابل بررسی است. کار علمی‌تان را اهمیت بدهید. البته کار فرهنگی هم جداگانه به همین اندازه اهمیت دارد؛ کار روی ایمان، کار روی باورهای شجاعت‌آور، عزت‌آور و آگاهی‌آور، که ایمان اسلامی جامع همه‌ی این‌هاست. این موضوع خودش یک بحث جداگانه‌ی است که البته در جای خود شما به آن هم می‌پردازید که آن نیز بسیار خوب است.

#### بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما 1383/02/28

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی- که انقلابی براساس یک هدف تعریف‌شده‌ی فرهنگی بود- که به مقوله‌ی فرهنگ اهمیت داده شد و به مقوله‌ی هویت ملی- که خود هویت ملی یک کشور، فرهنگ است و خود این جزو مصادیق و سطوح برجسته‌ی فرهنگ یک ملت است- اهتمام ورزیده شد، برکاتی بر این کار مترتب شد که این برکات به‌هیچ‌وجه ممکن نبود در این کشور به وجود بیاید. این نوآوریها، این پیشرفت‌های علمی، این جسارت‌ وارد شدن در عرصه‌های نو علمی و تحقیقی- که امروز در کشور ما خوشبختانه مشاهده می‌شود- به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به وجود آورد. قبل از انقلاب از هویت ملی و ملیت اسم زیاد می‌آوردند؛ اما به‌هیچ‌وجه به معنای حقیقی کلمه، هویت ملی را تقویت نمی‌کردند. البته علت هم واضح بود؛ چون آن کسانی که ایران را برای منافع خودشان می‌خواستند و در کشور عزیز ما منافع خود را تعریف کرده بودند، می‌دانستند که اگر هویت ملی در این کشور زنده شود، با منافع آنها ناسازگار خواهد بود و آنها نمی‌توانند به منافع‌های خود هدف گرفته‌اند، برسند. به همین دلیل، هویت ملی در آن زمان در اینجا تضعیف شد. ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته‌ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند! البته روی تغییر زبان کمتر کار کردند؛ اما برای تغییر خط فارسی- خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخص‌های مهم فرهنگی هر کشور است- در همین روزنامه‌ها و مطبوعات دوره‌ی طاغوت در کشور ما علناً و صریحاً مطلب نوشتند، دفاع کردند و حرف زدند که ما خط فارسی را تغییر بدهیم؛ آن هم با استدلال‌های کاملاً مجادله‌آمیز و مغالطه‌آمیز و خلاف واقع. آنها تا این حد پیش رفتند.

#### بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی 1381/07/03

امروز در این کشور، نخبه‌پروری و راه یافتن به المپیادهای جهانی مشاهده می‌شود. البته این‌ها ضایعاتی هم دارد که دوستان اشاره کردند: معرفی کردن چهره‌ها و آسان کردن کار دستگاه‌های پول‌ساز و کمپانی‌هایی که دنبال فکر و ذهن و مغز کارآمد هستند تا آنها را برابند؛ اما این حرکت به‌خودی‌خود یک حرکت علم‌پروری در جامعه‌ی ما بود؛ نشان‌دهنده‌ی جرأت و جسارت کشور و طبقه‌ی جوان ما بود؛ برای اینکه بتوانند در میدان‌های علمی، خود را نشان دهند و اثبات کنند که می‌توانند.

نکته‌ی آخر این است که پیشرفت علمی و اقتباس علمی- که من به اقتباس معتقدم؛ اما به ترجمه‌ی محض و اکتفا به ترجمه، معتقد نیستم- کاری لازم است و اسلام هم ما را به این، امر می‌کند. به‌رحال گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگ دیگران اشتباه نشود. این مغالطه‌ی بزرگی است که کسی بگوید علم غربی‌ها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقشان هم خوب است؛ نه، این‌ها باهم ملازمه‌ای ندارد. علمشان خوب است؛ اما این علم، پروریده و ساخته‌ی این فرهنگ نیست؛ حتی این فرهنگ به این علم ضرر هم می‌زند. علم، مولدها و عناصر به وجودآورنده‌ی خاص خود را دارد؛ باید آنها را پیدا کرد. فرهنگ بی‌بندوباری، بی‌دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادیگری و ارزش‌های مادی، فرهنگ‌های غلطی است که امروز غرب دچار این‌هاست. اگر آن مردم، پارسی و صالح و نیکوکار و کم‌اعتنا به زخارف دنیا بودند، این دانش برای دنیا مفید می‌شد؛ همچنان که در دوره‌ی شکوفایی اسلامی در قرن چهارم و پنجم و ششم هجری، برجستگان علمی‌ای به وجود آمدند و دانش را به اوج قله‌ی آن روز رساندند و به‌هیچ‌وجه فرهنگی که امروز در غرب رایج است- فرهنگ بی‌بندوباری و بی‌دینی و امثال این‌ها- بر آنها حاکم نبود؛ مثل ابن‌سیناها، محمد بن زکریا رازی‌ها، خوارزمی‌ها و دیگران. این‌ها در فرهنگی مثل فرهنگ غرب رشد نکردند؛ همچنان که دانشمندان بزرگ غرب و کسانی که دانش غرب را پایه‌گذاری کردند، هرگز در چنین فرهنگی رشد نکردند. بنابراین پیشروی و برتری علمی غرب را به‌هیچ‌وجه به معنای برتری فرهنگ غرب ندانید.

#### بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان 1380/08/12

به معنای حقیقی کلمه، برای این کشور هیچ کار اساسی‌ای قبل از انقلاب انجام نگرفته است. امروز در محیط دانشگاه چشم شما به حقایق علمی باز شده است؛ می‌بینید که ما چقدر کار نکرده و راه نرفته داریم. می‌شد این راه‌ها را رفت، می‌شد با کاروان علم همراه شد، می‌شد علم و عالم و دانشمند و تحقیق و استقلال در علم و تحقیق را در کشور آزمایش کرد؛ اما این کار را نکردند؛ بلکه بعکس عمل کردند.

در دوران ورود دانش جدید به کشور ما، آنچه که وارد شد، عبارت بود از تقلید و ترجمه. البته منظورم ترجمه یک اثر ارزشمند نیست- که یک کار لازم است- منظورم فکر و ذائقه و روحیه ترجمه‌ای است؛ یعنی قدرت ابتکار را از یک ملت گرفتن؛ شجاعت حرف نو را از یک ملت گرفتن؛ هم‌ا‌ش توی سر او زدن؛ به او این‌طور تلقین کردن که اگر می‌خواهی به جایی برسی و آدم شوی، باید همان کاری را بکنی که غربی‌ها کردند و از آن سرسوزنی تخطی نکنی! به مردم ما و محیط‌های علمی، این‌گونه یاد دادند. اجازه ابتکار و نوآوری و خلاقیت علم را ندادند. علم و فکر را باید تولید کرد. این‌ها نه در علوم تجربی، نه در علوم انسانی و نه در علوم سیاسی و اجتماعی، برای آفرینش علمی میدان ندادند. لذا وضع این‌گونه است که امروز ملاحظه می‌کنید.

البته در این بیست سال بعد از انقلاب، با همه گرفتاری‌هایی که وجود داشته، ورق برگردانده شده است؛ و الا قبل از آن که انقلاب به میدان بیاید و شجاعت خواستن، اندیشیدن، اعتماد به نفس و اکتفاء به استعداد ایرانی در کشور مطرح شود- که این‌ها از برکات انقلاب بود- غایت آمال و آرزوی یک انسان این بود که بتواند برطبق نسخه‌ای که غربی‌ها عمل کرده‌اند، عمل کند؛ یعنی افراد اصلاً به خود اجازه نمی‌دادند که از آن روند تخطی کنند! پس استبداد، وابستگی، فساد، عدم ابتکار، عدم پیشرفت و بی‌کفایتی وجود داشت؛ اما انقلاب و نظام اسلامی در مقابل همه این‌ها قد علم کرد و شورشی علیه همه این‌ها بود. این انقلاب و این نظام، کار یک دسته و یک گروه خاص نبود؛ کار ملت بود.

#### بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان 1380/08/12

عزیزان من! کمبود علم و عقب‌افتادگی علمی ما را جبران کنید؛ و این با درس خواندن، فکر کردن، کار کردن و شجاعت علمی داشتن حاصل می‌شود. ایمان خود را تقویت کنید. احساسات پاک و دل‌های روشن و نورانی و صفاهای شما، بهترین فرصت برای شماسست تا پایه‌های ایمان را در دل‌های خود مستحکم کنید، که بحمدالله وجود دارد.

در میان چهره‌های برجسته‌ی حوزه‌های علمیه در دهه‌های اخیر مرحوم آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر (قدس الله روحه) یکی از ممتازترین و شگفت‌انگیزترین آنهاست.

هر مجمع علمی حق دارد که به فرآورده‌ی انسانی بزرگی چون این عالم بزرگوار به خود ببالد. او بی‌شک یک نابغه و یک ستاره‌ی درخشان بود. از جنبه‌ی علمی، جامعیت و تحقیق و نوآوری و شجاعت علمی را یکجا دارا بود. در اصول، در فقه، در فلسفه و در هرآنچه به این دانش‌ها ارتباط می‌یابد در زمره‌ی بنیانگذاران و صاحبان مکتب محسوب می‌شد.

استعداد خارق‌العاده و پشتکار کم‌نظیر او از وی عامل ذوقنون و ژرف‌نگری پدید آورده بود که دید نافذ و ذهن جستجوگرش در آفاق علوم متداول حوزه‌ها محصور نمانده و هرآنچه را که برای یک مرجع بزرگ دینی در دنیای متنوع امروز سزاوار است به حیطة تحقیق و مطالعه کشیده بود و سخنی نو و فکری بکر و اثری ماندگار در آن می‌آفرید.

بی‌شک اگر این جوهره‌ی علم و تحقیق و این ذخیره‌ی تمام‌نشدنی انسانی، با دست پلید جنایت‌کاران از حوزه علمیه ربوده نمی‌شد، جامعه‌ی شیعی و اسلامی می‌توانست در آینده‌ی نزدیکی شاهد اوج دیگری در قلمرو مرجعیت و ریاست علمی و دینی باشد.

توفیق و مدد الهی، آمیختگی این فضیلت‌های بزرگ را با رتبه‌ی والای جهاد فی سبیل الله رقم زد. در هنگامی که حوزه‌ی کهن نجف در بوته‌ی آزمایش مواجهه با امواج بیداری اسلامی و انقلابی قرار گرفت، این شخصیت بیدار و آگاه قدم در راه مجاهدتی علمی و سیاسی نهاد و درخشش معنوی خود را مضاعف ساخت، بینش عمیق او نیاز زمان را حس کرد و در راهی که اجداد طاهربینش به روی پیروان و جانشینان خود گشوده بودند، گامی استوار نهاد و چه زود پاداش این فداکاری عظیم، یعنی محنت و سپس شهادت در راه خدا را دریافت کرد.

شهید آیت‌الله صدر برای طلاب و فضلاء جوان بی‌شک یک اسوه و نمونه است. درس انسان‌پروری او با شهادت جان‌گدازش خاتمه نیافته است. آثار علمی و شیوه تحقیق او اکنون پیش روی فضلاء جوان حوزه‌های علمیه قرار دارد و انگشت اشاره‌ی او آنان را به راه عظمت و مجد علمی، همراه با روشن‌بینی و جهان‌نگری هدایت می‌کند.

حوزه‌های علمیه امروز نیز محتاج شهید صدر و هر عنصر باهمت و پرتوانی هستند، که راه علمی و اسلام‌شناسی و جهان‌نگری او را دنبال کند. صلوات و درودی از اعماق جان بر آن روح مطهر و خواهر شهیده‌ی مظلومه‌اش بنت الهدی می‌فرستم و رحمت و علو درجات برای آنان و توفیق رشد و تربیت فضلاء جوان حوزه‌ها بدان‌سان را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم. همچنین از خداوند متعال می‌خواهم که شما فراهم‌آورندگان این مجمع علمی و انقلابی را پاداش نیک دهد و این اقدام را مبارک و پُر اثر فرماید.

#### پیام به کنگره‌ی بزرگداشت مقدس اردبیلی 1375/06/21

بی‌شک فقیه محقق متبحر عظیم‌الشرایف، مرحوم ملا-احمد مقدس اردبیلی (قدس الله نفسه) یکی از نقاط برجسته در آن تاریخ مشعشع است و در عین حال از جمله‌ی کسانی است که در حوزه‌های فقاقت چنان‌که شأن او است مطرح نگشته و آراء فقهی و شیوه‌ی استنباط او در معرض نقد صاحب‌نظران و استفاده‌ی فقیهان در نیامده است.

این بزرگوار که عمر مبارک و نورانبش بخش اعظم قرن دهم هجری را فراگرفته، اگر در میان سه شخصیت بزرگ فقهی این قرن، نفر اول شمرده نشود، می‌توان گفت که در برخی از جهات علمی از آن دو بزرگ‌مرد دیگر یعنی محقق کرکی و شهید ثانی (رحمهما الله) - که بی‌شک وی از هر دو نفر آنان بالواسطه استفاده برده است- برجسته‌تر است. دقت نظر او در تطبیق مدارک با مدعای فقهی در هر مسئله، و قوت تحقیق او که بحق، عنوان محقق را در کلمات بزرگان برای او تثبیت کرده است، همراه با نوآوری و شجاعت علمی، از جمله‌ی خصوصیات است که وی را شایسته‌ی عنوان شیخ‌الطائفه و جبر محقق در کلمات مرحومین مجلسی و وحید بهبهانی، و کتاب مجمع الفائده‌ی او را- بنا بر معرفی بهبهانی (رحمة الله علیه)- نوشته‌ی بی‌نظیر در میان کتب متقدمین و متأخرین و موجب شگفتی و حیرت خردمندان و اندیشه‌وران قرار داده است.

رتبه‌ی مثال زدنی و منحصر به فرد او در تقوا و ورع چنان است که محشّی جلیل‌القدر مجمع الفائده، او را از جمله‌ی کسانی می‌شمرد که فرشتگان کمر به خدمت آنان بسته‌اند و بزرگانی چون صاحب جواهر که آراء فقهی او را مورد خدشه قرار داده‌اند، بدان اعتراف کرده‌اند.

حوزه‌ی مبارکه نجف تجدید حیات علمی خود را مدیون اوست و سلسله‌ی بی‌انتهای فقه‌های شیعه‌ی ایرانی تبار پس از دوره‌های نخستین فقاقت شیعه، آغاز گشته باشخصیت ممتاز و والای اوست.

انتظار می‌رود که معرفی این بزرگ‌مرد و تحلیل شیوه‌ی علمی و آراء فقهی او، برای حوزه‌های علمی و حلقه‌های درس روزگار ما، افق‌هایی تازه در روش فقاقت بگشاید و فقه این روزگار را که به استحکام و شمول و سهولت نیازمند است، هرچه غنی‌تر سازد.

#### بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی 1374/09/13

عدم تحوّل، یعنی عدم پرداختن فقه به خود مسأله‌ی فقاقت، فقاقت، یک شیوه و روش برای استنباط آن چیزی است که ما اسمش را فقه می‌گذاریم. همان چیزی است که تا این درس را نخوانید، یاد نمی‌گیرید که چگونه باید از کتاب و سنت استنباط کرد. فقاقت یعنی شیوه‌ی استنباط خود این هم به پیشرفت احتیاج دارد. اینکه چیز کاملی نیست؛ بلکه متکامل است. نمی‌شود ادعا کرد که ما امروز دیگر به اوج قلّه‌ی فقاقت رسیده‌ایم و این شیوه، دیگر بهتر از این نخواهد شد. نه؛ از کجا معلوم است؟ «شیخ طوسی» - ملاًّی به آن عظمت- فقاقت داشت. فتاوی‌ای ایشان را در یک مسأله‌ی فقهی ببینید! امروز، کدام مجتهد حاضر است آن‌گونه بحث کند؟ آن فتاوا، ساده و سطحی است. مجتهد امروز، هرگز راضی نمی‌شود آن طور کار کند و استنباط نماید.

فقاقت، در دوره‌های متعدّدی تکامل پیدا کرده است. انسان، همین‌طور که به تاریخ فقاقت نگاه می‌کند، مقاطعی را می‌یابد. البته نظرات، مختلف است. من تصوّر این است که زمان «شیخ»، یک مقطع است و زمان «علامه»، مقطع دیگری است. «علامه» می‌گوییم، «محقق» نمی‌گوییم؛ در حالی که قاعدتاً این‌ها یکی هستند؛ برای اینکه بحث استدلالی در بساط «علامه» زیادتر است و انسان بیشتر می‌تواند بفهمد که با مسئله چگونه برخورد می‌کرده است؛ ولی در مورد «محقق» به این روشنی نمی‌شود فهمید.

بعد، یک دوره‌ی تقریباً دو‌بیست و پنجاه‌ساله می‌گذرد. زمان «محقق کرکی» باز یک مقطع دیگر است و به طور واضح انسان می‌فهمد که کیفیت استنباط «محقق کرکی» با کیفیت استنباط «علامه» فرق دارد. همان فقاقت است؛ ولی کامل شده است. بعد به مقطع بعدی می‌رسد که مقطع تلامذه‌ی «وحید بهبهانی» است که آن، شکوفایی فقاقت اصولی است. صاحب «ریاض» و صاحب «قوانین» و «شیخ جعفر» و «سید بحر العلوم» و ... در این مقطع هستند. بعد به زمان «شیخ انصاری» و صاحب «جواهر» می‌رسد که البته این مقطع و تحوّل در شیوه‌ی فقاقت، در کار «شیخ» نسبت به کار صاحب «جواهر»، بیشتر آشکار است. هرچند کار صاحب «جواهر» هم کار نو و جدیدی

است؛ اما بعد از «شیخ انصاری»- به گمان قاصر این فقیر- اگر بخواهیم از مقطعی اسم بیاوریم و بگویم که تحولی در فقاها انجام شده است، آن مقطع، مقطع مرحوم «آیت‌الله بروجردی» است که یک مقطع و باب جدیدی است که آن بزرگوار در کار فقاها باز کرد.

چه دلیلی دارد که فضلا و بزرگان و محققان ما نتوانند بر این شیوه بیفزایند و آن را کامل کنند؟ ای بسا خیلی از مسائل، مسائل دیگر را غرق خواهد کرد و خیلی از نتایج عوض خواهد شد و خیلی از روشها دگرگون می‌شود. روشها که عوض شد، جوابهای مسائل نیز عوض خواهد شد و فقه، طور دیگری می‌شود. این از جمله کارهایی است که باید بشود.

محقق امروز نباید به همان منطقه‌ای که مثلاً شیخ انصاری (علیه‌الرحمه) کار کرده است؛ اکتفا کند و در همان منطقه عمیق، به طرف عمق بیشتر برود. این، کافی نیست. محقق، باید آفاق جدید پیدا کند. این کار در گذشته هم شده است. مثلاً شیخ انصاری حکومت را در نسبت بین دو دلیل کشف و ابداع کرده است. بعد دیگران آمدند و تعمیق کردند و آن را گستراندند و مورد مذاقه قرار دادند.

آفاق و گستره‌های جدید در امر فقاها لازم است. چه دلیلی دارد که بزرگان و فقاها و محققان ما نتوانند این کار را بکنند؟ حقیقتاً بعضی از بزرگان این زمان و نزدیک به زمان ما، از لحاظ قوت علمی و دقت نظر، از آن اسلاف کمتر نیستند. منتها باید این اراده در حوزه راه بیفتند. باید این گستاخی و شجاعت پیدا شود و حوزه آن را ببذیرد. البته این طور نباشد که هرکس هر صدایی را بلند کرد، حوزه آن را قبول کند. در عین حال، نباید حرف جدید در حوزه و در چارچوبهای مورد قبول، مستنکر باشد.

#### پیام به نخستین کنگره علمی تخصصی دائرةالمعارف فقه اسلامی 1372/11/14

تکریم این ثروت معنوی سه وظیفه‌ی عمده در قبال آن را بر عهده‌ی همه‌ی علاقه‌مندان و متخصصان فقه امامیه قرار می‌دهد. این سه وظیفه عبارت است از: معرفی، بهره‌برداری و تکمیل. دو وظیفه‌ی اول ناظر به گذشته و اکنون است، و وظیفه‌ی سوم، ناظر به آینده است. بجا است در باره‌ی هریک از این سه، سخن کوتاهی گفته شود:

1 معرفی: فقه شیعه ناشناخته است در معلومات غیر مسلمین از فقه اسلام، غالباً جایی ندارد در کتب استدلالی فقه که از سوی غیر شیعه تدوین می‌شود آرای آن غالباً مورد سکوت و غفلت است در دائرةالمعارف‌های جهانی و حتی اسلامی آرای آن غالباً در ردیف آرای فقهی مذاهب مهجور قرار می‌گیرد. و این ستمی بزرگ است، هم به دانشی بدین وسعت و عمق و پیشرفت که شاید بتوان گفت؛ هیچ‌یک از مذاهب اسلامی به تنهایی دارای فقهی با این خصوصیات سه‌گانه نیستند، و هم به کسانی که می‌خواهند از آن بهره ببرند. معرفی این فقه و نشان دادن آن به مجموعه‌های جهانی و کتب فقهی دیگر مذاهب اسلامی و مطالعات حقوقی مراکز علمی جهان، خدمتی به علم و به دانشمندان است و این کار باید به شیوه‌ی درست و منطقی انجام شود.

2 بهره‌برداری: بجز در احوال شخصی و نیز در آنچه مربوط به فرد مسلمان است، فقه اسلامی و از جمله فقه شیعی، در طول قرن‌ها، مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گرفته است، پس از تشکیل جمهوری اسلامی، فقه شیعه یکسره در معرض عمل جامعه‌ی ایرانی است و به تبع آن، در همخوانی با موج همه‌جایی گرایش ملتها به اسلام، فقه سایر مذاهب نیز در برخی کشورها به جایگاه قانون‌گذاری نزدیک شده است.

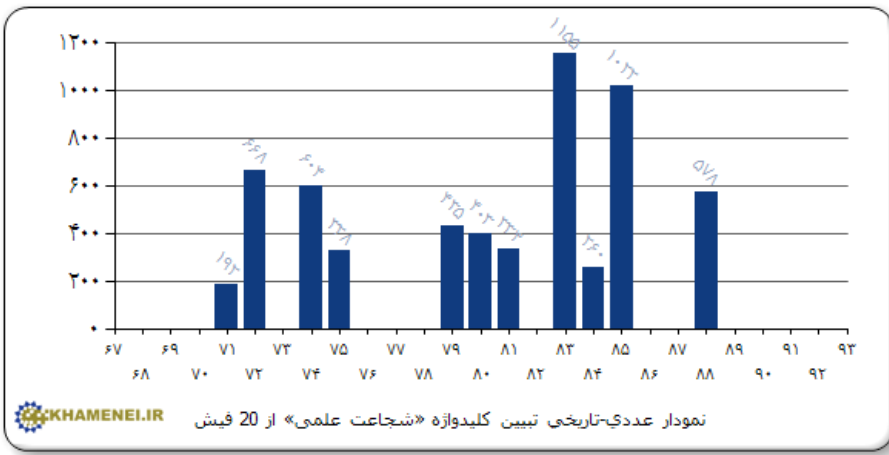
با این همه هنوز توان عظیم فقه، در گره‌گشایی معضلات زندگی و حل نقاط کور در مناسبات اسلامی فرد و جامعه، به کار گرفته نشده و بعضاً، شناخته نشده است. پدیده‌های روز به روز زندگی در مقام استفهام و استفتاء از فقه اسلامی، طبعاً باید به پاسخی قانع‌کننده و حکمی قابل استدلال برسند. به علاوه، فقه امروز که از پیچیدگی در استدلال و ظرافت همراه با استحکام برخوردار است، می‌تواند در تکمیل و پیشرفت دانش حقوق، مورد بهره‌برداری قرار گیرد و راههای تازه‌ای را در برابر محققان مراکز حقوقی جهان بگشاید.

3 تکمیل: با پیشرفت فنی و صنعتی و علمی بشر که بر روی همه‌ی شئون زندگی وی اثر گذارده و سرعت حوادث و پدیده‌های نوین را نسبت به روزگار گذشته چند و چندین برابر کرده است، تعداد موضوعاتی که در معرض پاسخگویی فقه قرار می‌گیرند و فقه باید حکم شرعی آنها را بیان کند نیز به همین نسبت افزایش می‌یابد. بی‌شک سرچشمه‌های فقه و نیز شیوه‌ی فقاها برای فهم حکم این موضوعات کافی است، ولی شناخت موضوعی آنها و تحقیق و تدقیق لازم برای تطبیق موضوع با عناوین کلی در فقه و استدلال مناسب و خلاصه بهترین روش برای درک حکم شرعی آن، کاری مهم و راهی دراز است. همچنین ای بسا موضوعاتی که در فقه مطرح گشته و حکم آن واضح است؛ ولی امروزه، موضوع چنان تحول و تطوری یافته که به آسانی نمی‌توان حکم آن را از آنچه در گذشته گفته شده است دانست. در چنین مواردی است که فقاها عصر باید با روشن‌بینی و احاطه‌ی علمی و پابندی به روش فقاها از یکسو، و آزاداندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر، مفاهیم جدیدی را در فقه، کشف کرده و احکام تازه‌ای را با استناد به کتاب و سنت، عرضه کنند. و این تکمیل فقه است. علاوه بر این‌ها، استفاده از سیکهای نوین در تدوین و نگارش کتب و رساله‌های فقهی، عمومی و تخصصی، و نیز استفاده از روشهای تحقیق فنی و علمی جدید و حتی استفاده از روشهای پیشرفته‌ی بحث علمی و به کار بردن ابزارهایی که امروز در تسهیل کار علمی دارای سهم مؤثری است، همه‌ی این‌ها به وظیفه‌ی تکمیل فقه کمک می‌کند.

آنچه باید صراحتاً اعلام کنیم آن است که تدوین دائرةالمعارف فقه بر مذهب امامیه در مورد هر سه وظیفه‌ی مذکور، اقدامی بزرگ و بسی مؤثر است. این طرح وسیع و ارزشمند در آن واحد می‌تواند هم به معرفی فقه شیعه و هم به بهره‌برداری علمی و عملی از آن و هم بالاخره به تکمیل و توسعه‌ی آن، خدمتی بزرگ بکند.

#### بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی 1371/05/21

در تبادل فرهنگی، قضیه چنین است. ملت فراگیرنده، می‌گردد نقاط درست و چیزهایی را که فرهنگ او را کامل می‌کند، از دیگران تعلیم می‌گیرد. درست مثل انسانی که ضعیف است و دنبال غذای مناسبی می‌گردد. دوا و غذای مناسب را مصرف می‌کند، تا سالم شود و نقصش از بین برود. در تهاجم فرهنگی، چیزهایی که به ملت مورد تهاجم می‌دهند، چیزهای خوب نیست، بلکه چیزهای بد است. فرض بفرمایید اروپاییها، وقتی تهاجم فرهنگی را در کشور ما شروع کردند، نیامدند روحیه وقت‌شناسی‌شان را، روحیه شجاعت و خطر کردن در مسائل را، یا تجسس و کنجکاوی علمی را، در ملت ما منتشر کنند و با تبلیغات و تحقیقات، سعی کنند ملت ایران، ملتی دارای وجدان کاری یا وجدان علمی شود. این کارها را که نمی‌کنند! مسئله لاابالی‌گری جنسی را وارد کشور ما می‌کردند. ملت ما، در طول هزاران سال، ملتی بود دارای مبالات جنسی؛ یعنی رعایت‌های مربوط به زن و مرد و این در تمام دوران اسلامی بوده است. نه اینکه کسی خطا و تخلف نمی‌کرده؛ خطا همیشه هست. در همه‌ی دورانها و در همه‌ی زمینه‌ها، افراد بشر خطا می‌کنند. خطا هست؛ اما خطا غیر از این است که چیزی بشود عرف جامعه!



نمودار عددی-تاریخی تبیین کلیدواژه «شجاعت علمی» از 20 فیش